عاشورا از نگاه اهل سنت و جماعت



عاشورا از نگاه اهل سنت

امام فخر رازی آیه شریفه مباهله را دلیل قاطع بر این مطلب گرفته که حسن و حسین دو پسر رسول خدا(ص) می باشند؛ زیرا هنگامی که به دستور خدا مأمور شدند که در مباهله پسران شان را دعوت کنند، پیامبر(ص) حسن و حسین را دعوت کرد و با خود آورد.

بدون تردید امام حسین(ع) نواده پیامبر(ص) سید جوانان اهل‌بهشت است که در قرآن بر محبت آن حضرت تاکید شده است. جایگاه آن حضرت نزد شیعیان بر کسی پوشیده نیست زیرا که آن حضرت را سومین امام منصوب از سوی خدا برای هدایت امت می‌دانند.

و اهل سنت نیز محبت آن حضرت را بر خود فرض و لازم می‌شمارند هر چند ناصبی‌ها و وهابیت با ایجاد بدعت در دین بسیاری از معارف آن را دگرگون کردند.

پیش از آنکه نظر اهل سنت در باره حادثه عاشورا بیان شود لازم است جایگاه امام حسین(ع) از دیدگاه اهل سنت مورد بررسی قرار بگیرد.

بدون تردید امام حسین ـ علیه السلام ـ فرزند رسول خدا ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ یکی از سروران جوانان اهل بهشت و از اهل بیت پیامبر ـ علیه السلام ـ می باشد[1] که در قرآن کریم محبت و دوستی شان با آیه مودت[2] بر مسلمین واجب گردیده است. وقتی که آیه شریفه «... قُلْ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» نازل گردید، از رسول خدا(ص) سوال شد این خویشاوندان شما کیست که محبت و دوستی آنان بر ما واجب شده است؟ رسول اللهﷺ فرمود: علی، فاطمه و دو فرزند او (حسن و حسین).[3]

و نیز احادیثی از رسول خدا(ص) از طریق اهل سنت نقل شده که بر این محبت و دوستی تاکید دارند. یکی از این روایات که مشتمل بر جملات متعددی است با جمله «من مات علی حب آل محمد مات شهیدا» آغاز می گردد و به جمله «ألا و من مات علی بغض آل محمد مات کافراً و من مات علی بغضهم لم یشم رائحه الجنه» به پایان می رسد.[4]

در کتابهای معتبر اهل سنت آمده که رسول خدا(ص) فرمود: قسم به آن کسی که جان محمد در دست اوست هیچ کس با ما اهل بیت دشمنی نمی کند مگر اینکه خدا او را وارد جهنم کند.[5]

محبت اهل‌بیت(ع) بر تمام مسلمانان واجب است

آلوسی یکی از مفسرین اهل سنت از این حدیث این نتیجه را می گیرد که محبت اهل بیت بر تمام مسلمانان فرض می باشد.[6] و به همین دلیل امام شافعی عقیده خود را در باره اهل بیت اینگونه ابراز می کند:

یا اهل بیت رسول ا حبکم فرض من ا فی القرآن انزله

کفاکم من عظیم القدر انکم من لم یصل علیکم لا صلات له[7]

(ای اهل بیت رسول خدا! محبت شما از طرف خداوند در قرآن فرض شده است و این عظمت برای شما کافی است که هر که در نماز بر شما درود نفرستد نمازش باطل است)

مراد شافعی این است که در تشهد نماز های یومیه صلوات فرستادن بر اهل بیت که امام حسین یکی از آنها ست فرض و واجب می باشد و اگر این صلوات فرستاده نشود نماز، نماز نخواهد بود.

و بر طبق حدیث رسول خدا(ص) که در صحیح مسلم از زبان عایشه همسر پیامبر(ص) نقل شده است، امام حسین(ع) از مصادیق بارز اهل بیت به شمار می آید. عایشه می گوید: روزی پیامبر اسلام(ص) صبح بین طلوعین جامه ای را که از پشم سیاه بافته شده بود بر خود انداخت در این هنگام حسن بن علی آمد و رسول خدا او را زیر جامه کنار خود برد لحظه ای بعد حسین آمد او نیز زیر جامه کنار رسول خدا رفت و پس از آن فاطمه دختر رسول خدا آمد او هم زیر جامه رفت و سپس علی آمد و با آنان در زیر جامه یکجا شد. در این زمان رسول خدا فرمود: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/33).[8]

در مستدرک حاکم و کتاب های دیگر اهل سنت نیز از زبان ام سلمه همسر دیگر پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ نقل شده است که زمانی که این آیه در خانه من بر پیامبر نازل گردید پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ علی، فاطمه، حسن و حسین را در زیر کساء جمع کردند و فرمودند: «اللهم هؤلاء اهل بیتی» ام سلمه می گوید من عرض کردم آیا من از اهل بیت نیستم فرمودند: تو اهل منی و با خیر هستی و اینان اهل بیت من هستند.[9]

سخن عالم برجسته اهل سنت

فخر رازی می گوید صحت این روایت بین اهل تفسیر و حدیث متفق علیه می باشد.[10]

از طرف دیگر امام حسین(ع) نه تنها فرزند بلکه پسر رسول خدا(ص) است. امام فخر رازی آیه شریفه مباهله را دلیل قاطع بر این مطلب گرفته که حسن و حسین دو پسر رسول خدا(ص) می باشند؛ زیرا هنگامی که به دستور خدا مأمور شدند که در مباهله پسران شان را دعوت کنند، پیامبر (ص) حسن و حسین را دعوت کرد و با خود آورد. بنابراین واجب است که آن دو پسران پیامبر باشند.[11]

فخر رازی که یکی از علمای برجسته اهل سنت است درباره شدت تعلق اهل بیت با پیامبر اسلام می گوید که

شکی در این نیست که بین فاطمه، علی، حسن و حسین و بین پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ تعلق شدیدی وجود داشته و واجب است که آنان اولین مصداق آل محمد باشند. و سپس در ذیل آیه مودت می گوید شکی نیست که پیامبر اسلام(ص) فاطمه و علی و حسن و حسین را دوست داشتند بنابراین مثل همین محبت و دوستی با آنان بر همه ی امت واجب می باشد و آیات «وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف/۱۵۸) و «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِی يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران/۳۱) و« لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ » (احزاب۲۱) دلیل بر این مطلب می باشد. و در ادامه می گوید دعایی که در پایان تشهد نماز خوانده می شود که عبارت است از «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد» تعظیم بس بزرگی است که در باره احدی غیر از آنان وجود ندارد و تمام اینها دلالت بر این دارد که دوستی و محبت آل محمد واجب است و لذا شافعی گفته است که:

ان کان رفضا حب آل محمد فلیشهدان الثقلان أنی رافضی[12]

اینکه پیامبر اسلام(ص) فرزندش امام حسین(ع) را بسیار دوست می داشتند در احادیثی که در کتابهای اهل سنت نقل شده منعکس گردیده است. پیامبر اسلام(ص) امام حسین(ع) را به حدی دوست داشت که مدام دهان او را می‌بوسید و می گفت حسین از من است و من از حسینم.[13] در حدیث دیگری آمده است که روزی حسین با بچه ها بازی می کرد در این هنگام رسول اللهﷺ آمد او را در بغل گرفت و سپس یک دست خود را زیر چانه او گذاشت و با دست دیگر از قفای سر او گرفت و سرش را بلند کرد و دهانش را بر دهان او گذاشت و گفت: حسین از من است و من از حسینم خداوند بیامرزد آن کسی را که حسین را دوست داشته باشد.[14] از طریق ابی هریره و دیگران نقل شده که روزی حسین داخل مسجد شد و خودش را به بغل رسول خدا(ص) انداخت و انگشتان خود را داخل محاسن رسول خدا نمود، در این هنگام رسول خدا دهان خود را بر دهان او گذاشت و فرمود: خدایا! من حسین را دوست دارم و تو هم او را و هر که او را دوست دارد دوست بدار. ابو هریره می گوید بعد از این که هر گاه حسین را می دیدم اشک از چشمانم جاری می گردید.[15]

ملاک دوستی با خدا و پیامبر خداﷺ

از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود: «من احب الحسن و الحسین فقد احبنی و من ابغضهما فقد ابغضنی ؛ یعنی هر که حسن و حسین را دوست داشته باشد در حقیقت مرا دوست دارد و هر که با آنان دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی کرده است.»[16]

با تمام این روایات و مطالبی که از طریق اهل سنت در باره اهل بیت و بخصوص امام حسین(ع) مبنی بر مقام و جایگاه او در نزد رسول خدا(ص) و محبت و دوستی آن حضرت و وجوب این محبت بر امت اسلامی نقل شده، وقتی به صفحات تاریخ رجوع شود مشاهده می شود که بیشترین و بدترین ظلم بر اهل بیت رسول خدا(ص) روا داشته شده است. از میان این ظلمها ظلمی که از طرف یزید بن معاویه بر فرزند رسول الله(ص) حضرت امام حسین(ع) انجام گرفت در تاریخ بشریت نظیر آن وجود ندارد و در آینده هم چنین ظلمی واقع شدنی نخواهد بود؛ زیرا آنانی که خود را مسلمان می دانستند و از امت رسول خدا(ص) به شمار می آمدند، به نام اسلام، فرزند و پسر پیامبر خود شان را همراه با یاران او به بدترین و بی رحمانه ترین وضع کشتند و اطفال و زنان خانواده ی پاک پیامبر(ص) را به نام کافر و طاغی اسیر نموده و در شهر ها در منظر مردم گردانده و در مجالس یزید و عبیدا بن زیاد آنان را از نظر جسمی و روحی مورد آزار و اذیت قرار دادند.

این واقعه تاریخی غیر قابل انکار می باشد که امام حسین ـ علیه السلام ـ با یاران اندک خود به مظلومانه ترین وجه توسط یزید بن معاویه، در راه خدا و حفظ دین اسلام در کربلا و روز عاشورا سال 61 هجری به شهادت رسیده و خانواده پاک او که خانواده پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ بود با ظالمانه ترین وجه به اسارت گرفته شدند. بنابراین برای یک مسلمان واقعی و پیرو راستین قرآن و سنت، با توجه به آیات و روایاتی که نقل شد کافی است که نسبت به واقعه عاشورا اندوهگین و ماتم زده باشد و بدون شک بی تفاوتی نسبت به آن دلیل بر بی مبالاتی نسبت به دستور خدا و پیامبر خدا ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ می باشد. زیرا ممکن نیست کسی امام حسین ـ علیه السلام ـ را به عنوان قربی و اهل بیت پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ دوست داشته باشد، اما واقعه کربلا و عاشورا او را غمگین و ماتم زده نگرداند. و نیز ممکن نیست کسی مسلمان باشد اما قیام امام حسین ـ علیه السلام ـ را در برابر انحراف و ظلم و دشمنان اسلام به عنوان قیام ناب الهی در قالب مجالس و عزاداری گرامی ندارد.

اهل سنت در برابر حادثه عاشورا به دو دسته تقسیم می شود. یک دسته که اکثریت اهل سنت را تشکیل می دهد اهل سنت معتدل و محبّ اهل بیت(ع) می باشد. دسته دوم اهل سنت، پیرو بنی امیه و یزید بن معاویه است که نسبت به اهل بیت و امام حسین(ع) دید مثبتی ندارد بلکه می توان گفت دشمن اهل بیت می باشد. این دسته امروز در قالب سلفیه و وهابیت در جهان اسلام معروف است که می توان گفت آنان در واقع اهل سنت نیستند و اگر به تاریخ تکون، فعالیت و نظرات این فرقه رجوع شود دشمنی آنان با اهل سنت ثابت می گردد.

اما در باره اهل سنت معتدل باید گفت که آنان از این حادثه ی ناگوار غمگین وناراضی هستند و عوامل

آن را مورد نکوهش و گاهی مورد لعن قرار می دهند. موضع گیری این دسته ی اهل سنت را می توان از مطالبی که در زیر به آنها اشاره می شود به دست آورد:

علمای اهل سنت از پیامبر اسلام ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ روایاتی را مبنی بر شهادت امام حسین ـ علیه السلام ـ نقل نموده که از آن جمله این روایت است: «... روزی حسین ـ علیه السلام ـ در کودکی بر پشت و گردن پیامبر(ص) بازی می کرد که جبرئیل به پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ گفت آیا او را دوست داری فرمود بلی. جبرئیل گفت امت تو او را خواهد کشت. و سپس محل شهادت او را به پیامبر ـ علیه السلام ـ نشان داده و مشتی خاک سرخ رنگ را از آن محل برداشته و به ام سلمه می دهد...».[17] و نیز روایاتی را در مورد حوادث روز عاشورا و بعد از آن نقل نموده که در یکی از این روایات چنین آمده است: «هنگامی که حسین بن علی کشته شد آفاق آسمان تا چندین ماه رنگ سرخ را به خود گرفته بود و این سرخی آسمان حکایت از گریه آن داشته است.»[18]

بیشتر مفسرین اهل سنت این روایت را در ذیل آیه« فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ » (الدخان/29) این سخن را آورده اند.[19]

در تفسیر ابن ابی حاتم آمده است که آسمان از زمانی که دنیا بوده است بر هیچ کسی نگریسته است مگر بر دو نفر یکی یحیی بن ذکریا و دیگری حسین بن علی می باشد. و از زید بن زیاد نقل شده که چونکه حسین کشته شد آفاق آسمان چهار ماه رنگ سرخ را به خود گرفته بود و از عطاء نقل شده که گریستن آسمان سرخ شدن اطراف آن می باشد.[20]

طبرانی نقل می کند که محمد بن حمید جهمی از اولاد ابی جهم در قتل حسین این شعر را که به زینب دختر عقیل بن ابی طالب منسوب است انشاد کرد:

مَاذَا تَقُولُونَ إن قال الرَّسُولُ لَكُمْ مَاذَا فَعَلْتُمْ وَ أَنْتُمْ آخِرُ الأُمَمِ

بِأَهْلِ بَيْتِي وَ أَنْصَارِي وَذُرِّيَّتِي منهم أُسَارَى وقَتْلَى ضُرِّجُوا بِدَمِ

ماكان ذَاكَ جَزَائِي إِذْ نَصَحْتُ لَكُمْ أَنْ تَخْلُفُونِي بِسُوءٍ فِي ذَوِي رَحِمِ

یعنی چه می گویید اگر رسول خدا به شما بگوید که به عنوان آخرین امت با اهل بیت و یاران و ذریه من چه کردید؟ برخی از آنها را اسیر و برخی را کشته و با خون آغشته نمودید. جزای من هنگامی که شما را نصیحت کردم این نیست که با خویشان من اینگونه رفتار بد انجام دهید! [21]

از دیدگاه اهل سنت بنا بر آنچه که در متون روایی آنها آمده امت اسلامی با اهل بیت آن رسول خدا در از مایش قرار دارد زیرا بنابر نقل خالد بن عرفطه رسول خدا فرموده بودند زود است که شما بعد از من در باره اهل بیتم مورد آزمایش قرار خواهید گرفت.[22] و این امتحان و ابتلاء تا پایان تاریخ همچنان ادامه دارد و لذا همانگونه که در روز عاشورا بسیاری از مسلمانان در معرض امتحان قرار گرفتند و فقط تعداد معدودی از این امتحان سربلند بیرون رفتند، امروز نیز مسلمانان با موضع گیری در قبال این واقعه همچنان امتحان می شوند و هرکه به دلیل محبتی که نسبت به امام حسین(ع) و خاندان رسول خدا(ص) دارد از آن غمگین شود و کسانی را که باعث این حادثه شده و ظلم هایی را بر این خاندان پاک روا داشتند از خود طرد کنند سربلند خواهند بود اما آنانی که در قبال این واقعه ی دردناک بی تفاوت هستند و یا از یزید و یاران او حمایت می کنند قطعا در این امتحانی که رسول خدا آن را برای امت خود قرار داده است مردود و در روز جزا در برابر رسول ا شرمسار و سرافکنده خواهند بود.

ظلم به اهل‌بیت(ع) در نهایت شقاوت بود

اینست که تفتازانی از متکلمین بنام اهل سنت می گوید: ظلمی که بر اهل بیت پیامبر ـ صلی ا علیه و آله و سلم ـ انجام گرفته نمی توان آن را پنهان نمود. زیرا بر این ظلم که در نهایت شقاوت بوده جمادات و حیوانات بی زبان شهادت می دهند و نزدیک بود که زمین و آسمان بر آن گریه کنند و کوه ها از جا کنده شوند و صخره ها تکه تکه گردند. پس لعنت خدا بر کسی که این کار را انجام داد یا به آن راضی شد و یا در این جهت کوشید. و عذاب آخرت شدید تر و ماندگار تر می باشد.

[23]بنابراین می توان گفت علمای آگاه اهل سنت نیز به خاطر واقعه عاشورا محزون و ماتم زده هستند. هر چند عوام آنان اطلاعات چندانی از مسئله عاشورا و کربلا ندارند. و لذا در برخی از مناطق اهل سنت دیده شده که در روز عاشورا برای امام حسین ـ علیه السلام ـ مجلس عزا تشکیل می دهند منتهی مجالس در میان اهل سنت به علت های مختلفی فراگیر نمی باشد.

اما فرقه وهابیت همانگونه که در واقع نمی توان اسم اهل سنت را بر آن اطلاق نمود بلکه یک حزب سیاسی اموی می باشد، هماهنگ با سیاست بنی امیه و به ویژه یزید بن معاویه مراسم عزا و ماتم و سخنرانی

را در روز عاشورا حرام و بدعت می دانند بلکه از این حد فراتر رفته این روز را مبارک شمرده و برای جشن و شادمانی و شیرینی خوری و خریدن لوازم جدید منزل و سرمه کشیدن و نظافت و امثال این ها مناسب می دانند و این فرهنگی است که حجاج بن یوسف ثقفی در زمان خلافت عبدالملک مروان برای شکنجه و عذاب شیعیان پایه گذاری کرد.[24] و سنی هایی که با مراسم عزاداری روز عاشورا مخالفت می کنند متأثر از همین فرهنگ می باشند.

موضع و دیدگاه منفی وهابیها و سلفی های متجدد در باره حادثه عاشورا بر حمایت یزید بن معاویه و تبرئه او از این جنایت مبتنی است و برای اینکه حقایق و وقایع حادثه عاشورا برملا نشود و یزید و اطرافیان و پیروان او از طرف مسلمانان زیر سوال نرود از برگزاری مراسم عزاداری جلوگیری می کنند و در این راستا حدیثی را که از عمر خلیفه دوم و پسرش عبدالله بن عمر در باره حرمت گریه و سوگواری نقل شده، دلیل بر این گرفته که گریه بر حسین(ع) و عزاداری به مناسبت عاشورا بدعت و جایز نمی باشد. این حدیث که در باره گریه بر میت می باشد به صورت های مختلف نقل شده است. در این نقل ها آمده است که: «میت در قبرش به دلیل نوحه ای که برایش می کنند در عذاب می افتد» یا « میت با گریه های بستگانش در عذاب می افتد» ویا «میت به واسطه بعضی از گریه های اهلش در عذاب می افتد».[25]

این در حالی است که عبدالله بن عباس و عایشه اصل صحت روایت را بر عمر و ابن عمر انکار کرده و عایشه گفته است که عبدالله بن عمر یا اشتباه کرده و یا فراموش نموده. به خدا قسم آن چه را او از پیغمبر(ص) نقل می کند پیغمبر نفرموده بلکه آن چه پیغمبر فرموده این است: « همانا خدا عذاب کافر را به خاطر گریه بستگانش بر او زیاد می کند».[26]

این انکار عبدالله عباس و عایشه همسر پیامبر با گریه های شخص رسول خدا(ص) بر مردگان وتشویق آن حضرت که بر این کار در کتب معتبر اهل سنت نقل شده مورد تایید قرار می گیرد که به چند مورد از آنها اشاره می شود.

الف. ابن عباس نقل کرده که در مرگ رقیه بنت رسول الله(ص) زن ها گریه می کردند و عمر آنها را با تازیانه می زد و از گریه آنان ممانعت میکرد تا اینکه پیغمبر(ص) فرمود: رهایشان کن که گریه کنند زیرا نفس مصیبت دیده و چشمها گریان و مرگ نزدیک است و خود آن حضرت نیز لب قبر نشست در حالی که فاطمه(س) اشک می ریخت و حضرت اشکهای او را پاک می کرد.[27]

ب. رسول اکرم که کانون عاطفه و رحمت است در مرگ فرزندش ابراهیم اشک می ریزد. وقتی که از حضرت

سئوال می کنند می فرماید: «چشمها گریان است و قلب می سوزد و آن چه خشم خدا را بر می انگیزد نمی گوییم».[28]

ج. پیامبر(ص) در مرگ ابوطالب و نیز حمزه که در احد به شهادت رسید گریه کرد. و هنگامی که به مدینه برگشت دید زن های انصار بر کشتگان شان گریه می کنند، حضرت فرمود: (اما حمزه گریه کننده و عزادار ندارد). انصار با شنیدن این کلام و آن گریه پیغمبر(ص) به زنهایشان دستور دادند که بروند بر حمزه گریه کنند و آنها رفتند خانه پیغمبر بر حمزه گریه کردند و پیغمبر در حق آنها دعا کرد و فرمود: «خدا از شما و اولاد شما راضی باشد».[29] از همین به بعد برای اهل مدینه رسم شد که هرگاه می خواستند بر کسی گریه کنند در ابتدا بر حمزه گریه می کردند.[30]

گریه پیامبر بر شهادت جعفربن ابیطالب

د. همچنین پیغمبر(ص) در شهادت زید بن حارثه، جعفر ذوالجناحین و عبدالله بن رواحه گریه کرد و دیگران را با این کلامش تشویق کرد که فرمود: «گریه کنندگان بر فراق افراد مثل جعفر باید گریه کنند».[31]

از این روایات به دست می آید که گریه بر میت نه تنها بدعت و حرام نیست بلکه از کارهای پسندیده و مورد تشویق رسول خدا(ص)می باشد.

از طرف دیگر گریه بر بستگان و دوستانی که از دنیا می روند و یا کشته می شوند یک امر غریزی و عرفی است و از عواطف پاک انسان ناشی می شود. و لذا هر انسان سالم و دارای احساسات انسانی و فطری از هر قوم و ملتی که باشد بر فقدان بستگانش گریه می کند. و این امر با سرشت انسان مرتبط و از مشخصات آدمی و مظهر شدیدترین حالات احساسی و عاطفی انسان می باشد و نمی شود جلو آن را گرفت.

از مراجعه به متون تاریخی و روایی در می یابیم که برپایی مجالس سوگواری، خواندن مرثیه، گریه کردن، بی تابی در فراق عزیزان، به سر و سینه زدن و اعمال دیگری که از نشانه های حزن و عزا است امر شایع و متداول بین همه ملتها و مسلمانها بوده و هست و سیره پیغمبر و ائمه(ع) و سیره متشرعه و قرآن کریم بر جواز آن دلالت می کند. زیرا قرآن گریه یعقوب بر فراق یوسف را نقل کرده و ردّ ننموده است.

بدعت وهابیت در دین

فرقه وهابیت که ربطی به اهل سنت ندارد از این حد هم تجاوز کرده و بر بدعت عزاداری در روز عاشورا بسنده نکرده بلکه روز عاشورا را روز عید و زینت و سرور و شادمانی می دانند، و به قصد تبرک و شکرانه کشتن امام حسین ـ علیه السلام ـ نور چشم رسول خدا و سید جوانان اهل بهشت، این روز را روزه می گیرند. بر طبق روایت عمرو بن ابی یوسف معاویه قبل از حادثه عاشورا روی منبر گفت روز عاشورا روز عید است، هر کس دوست دارد روزه بگیرد و هر کس نمی خواهد روزه نگیرد حرجی بر او نیست.[32] و این سخن معاویه هم مستمسک برای وهابیان قرار گرفته است.

مقریزی می گوید: در دوران حکومت فاطمیون در مصر، در روز عاشورا به خاطر شهادت حسین ـ علیه السلام ـ ماتم و سوگواری بر پا می شد، ولی هنگامی که بنی ایوب به حکومت رسیدند، آن ها در روز عاشورا سرور و شادمانی بر پا نموده و با ریخت و پاش غذا پخش می کردند، هم چنین به حمام رفته و تنظیف نموده و به چشم سرمه می کشیدند آنان این اعمال را در پیروی از روش و عادت اهل شام که حجاج بن یوسف ثقفی در زمان عبد الملک بن مروان، در مخالفت با شیعیان علی بن ابی طالب ـ علیه السلام ـ که روز عاشورا را روز اندوه و ماتم می دانند پی ریزی کرده بود، انجام می دادند.[33] سقاف می گوید: این اخبار زیاد و کثیر العدد را برای دفن قضیه کربلا آوردند، لیکن قضیه کربلا به عظمت خود باقی ماند و آن ها بیچاره و فشل شدند.[34]

پی نوشت:

[1] محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمى البستى، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان ، ج 15ص412، مؤسسة الرسالة - بيروت - 1414 - 1993، الثانية؛ محمد بن عبدا أبو عبدا الحاكم النيسابورى، المستدرک على الصحيحين، ج3ص429، دار الكتب العلمية - بيروت - 1411هـ - 1990م، الطبعة: الأولى.

[2] شوری/ 23

[3] زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، ج4ص223و224، بیروت، دار احیاءالتراث العربی؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج16ص21و22، بیروت، دار احیاءالتراث العربی.

[4] زمخشری، جار ا محمد بن عمر، کشاف، 4/220، بیروت، دار الکتب عربی.

[5] ابن حبان بستی، صحیح ابن حبان، ج15ص435؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج3ص162،

بیروت، دار الکتب العلمیه، 1411ق.

[6] آلوسی بغدادی، سید محمود، روح المعانی، ج25ص32، بیروت، دار احیاء التراث.

[7] هیثمی، احمد بن حجر، الصواعق المحرقه، ص148، مکتبة القاهره.

[8] مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج4ص1883، بیروت ، دار احیاء التراث العربی.

[9] نیشابوری، محمد بن عبد ا، المستدرک علی الصحیحن، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، 1411 ق، 3/451.

[10] رازی، فخر الدین محمد بن عمر، تفسیر کبیر، ج8ص71، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، 1421 هـ 2000م، الطبعة: الأولی.

[11] تفسیر کبیر، ج 8 ص 72

[12] تفسیر کبیر، 27/143

[13] حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج3ص184، بیروت دارالکتب العلمیه، 1411ق.

[14] صحیح ابن حبان، ج15، 428. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج1ص51، بیروت، دارالفکر.

[15] المستدرک علی الصحیحین، ج 3 ص 196

[16] سنن ابن ماجه، ج 1 ص 15

[17] احمد بن حنبل، مسند احمد، 3/ 242، بیروت، دار صادر، و هیثمی، مجمع الزوائد، 9/187، بیروت دار الکتب العلمیه، 1408 ق.

[18] سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دار الفکر، 1993 م و ابن کثیر، اسماعیل بن عمر،

تفسیر ابن کثیر 4/143، بیروت، دار ا لفکر، 1401 ق و طبری، محمد بن جریر، تفسیر طبری، 25/124، بیروت، دار الفکر، 1405 ق.

[19] رک: المحرز الوجیزفی تفسیر الکتاب العزیز، ج 5 ص 73؛ تفسیر بغوی، ج 4 ص 152، تفسیر طبری، ج 25 ص 124، تفسیر قرطبی، ج 16 ص 141، تفسیر ثعلبی، ج 8 ص 353، تفسیرالعز بن عبدالسلام، ج 3 ص 170.

[20] تفسیر ابن ابی حاتم، ج 10 ص 3289.

[21] سلیمان بن أحمد بن أیوب أبو القاسم الطبرانی، المعجم الکبیر، ج 3 ص 124مکتبة الزهراء، الموصل - 1404 - 1983، الثانیة، تحقیق: حمدی بن عبدالمجید السلفی.

[22] المعجم الکبیر، ج 4 ص 192.

[23] تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر، شرح مقاصد فی علم الکلام، 2/307، پاکستان، دار النعمانیه، اول، 1401 ق.

[24] الوردانی، صالح، الشیعه فی مصر من الامام علی ــ ص 34، قاهره، مطبعه مدبولی صغیر، اول، 1414 ق.

[25] مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، 1401 ق، ج 3، ص 41ــ43.

[26] محی الدین بن النووی، المجموع، دارالفکر، بی تا، ج 5، ص 307ــ308.

[27] احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دارصادر، بی تا، ج 1، ص 335؛ و السید شرف الدین، النص و الاجتهاد، ص 298.

[28] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، 1401 ق، ج 2، ص 105.

[29] محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا، ج 1، ص 120.

[30] همان، ج 2، ص 41.

[31] احمد بن یحیی، بلاذری، انساب الاشراف، بیروت، مؤسسه الاعلمی، 1394 ق، ج 1، ص 488.

[32] صنعانی، عبد الرزاق، مصنف عبدالرزاق، ج 4، ص 29، ح 7850، منشورات المجلس العلمی.

[33] طبسی، نجم الدین، صوم یوم عاشورا، بین السنه النبویه و البدعه الامویه، ص 137، منشورات عهد به نقل از سیر اعلام النبلاء ج 4، ص 343.

[34] نجم الدین طبسی، صوم عاشورا بین السنه النبویه و البدعه الامویه، ص 139، منشورات عهد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه View/Article/fa/net.hawzah//:https